



سال دوم، شماره چهارم (پیاپی ۷)، زمستان ۱۴۰۲، صص. ۷۸-۵۹
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

مقاله پژوهشی

واکاوی مأموریت ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش و نقش آن در موازنه قدرت دریایی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مصطفی اسماعیلی

استادیار گروه روابط بین الملل دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: Esmaili133@gmail.com

خسرو نادری زهرائی

پژوهشگر روابط بین الملل، تهران، ایران

محمدامین میرزایی

دانش آموخته مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام‌نور، واحد قائمشهر، قائمشهر، ایران

چکیده

با بروز چالش‌های جدی در رهیافت‌های ایدئالیستی در دهه‌های اخیر و رنگ‌باختن مفاهیمی نظیر «همگرایی اقتصادی» ضمن تشکیل نهادها و سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان نخله‌های بنیادین لیبرال دموکراسی در ارائه راه‌کارهای پرهیز از جنگ، مسئله قدرت و طبیعت آنارشیک سیاست بین‌الملل (همچون وقوع جنگ جهانی دوم میان دولت‌هایی با بیشترین همگرایی و وابستگی اقتصادی) همچنان مفاهیمی بیگانه با رفتارهای سیاست خارجی دولت‌های عصر حاضر تلقی نمی‌شوند. اگرچه در ساختار فعلی نظام بین‌الملل با پیچیده‌تر شدن وابستگی‌های اقتصادی دولت‌ها به یکدیگر، عناصری نظیر روابط دیپلماتیک، حقوق بشر، معاهدات تجاری، شرکت‌های فراملیتی، حساسیت‌های زیست‌محیطی و ... دنبال می‌شود اما یقیناً مسئله موازنه قدرت، هم به مفهوم کلاسیک رئالیستی و هم به معنای ساختاری و نئورئالیسمی آن، چه به گونه روشن و بی‌پرده در گستره تاریخ روابط بین‌الملل و چه در پشت پرده روابط صلح‌طلبانه جهان امروز، همواره به‌عنوان محرک اصلی سیاست خارجی دولت‌ها عمل نموده است. از همین‌رو جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها در جایگاه دولتی مستقل و به‌عنوان یکی از چرخ‌دنده‌های این نظام آنارشیک، بلکه در جایگاه دولتی تجدیدنظرطلب و ظهور به‌عنوان پارادایم سومی در دوران جنگ سرد، همچنین وجود عناصری نظیر «نظریه صدور» و اثرگذار در منطقه با پیشینه تاریخی و فرهنگی غنی خود، به‌عنوان انقلابی فراملی، یقیناً نمی‌توانست بدون موازنه‌سازی‌های قدرت و تهدید بیش از چهار دهه نه‌تنها بقای خود را تضمین نماید بلکه به‌عنوان محور اصلی مقاومت سرنوشت بسیاری از دولت‌ها و ائتلافات منطقه‌ای را به سیاست‌های خارجی خود گره زند. اگرچه جمهوری اسلامی ایران، همواره از اکثریت پتانسیل‌های خود نظیر قدرت نرم حاصل از سیاست همسایگی، ائتلاف‌سازی‌های دولتی و غیردولتی در جبهه مقاومت، تقویت توان نظامی و اتخاذ سیاست‌های چندساحتی و پیچیده ایدئولوژیک-دیپلماتیک در سیاست خارجی خود بهره گرفته است اما در امر «توان دریایی» به‌جز اثبات برخی توانمندی‌های خود در دوران جنگ تحمیلی، هرگز موفق نشده بود در سطح جهانی ضمن اثبات توان لجستیک - تکنولوژیک خود، به «موازنه قدرت دریایی» بپردازد. از همین‌رو این پژوهش ضمن پرداختن به نظریات موازنه قدرت «کنت والتز» و موازنه تهدید «استیفن والت»، به‌عنوان چهارچوب‌های نظری پژوهش، و با روش «توصیفی-تحلیلی» و شیوه اسنادی، علاوه بر معرفی و شرح مأموریت ۲۳۲ روزه «ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران»، به عمق استراتژیک این مأموریت و مفروض اصلی پژوهش مبنی بر موازنه‌سازی قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران و بازتاب‌های سیاسی پیوستن جمهوری اسلامی ایران به جمع پنج کشور قدرتمند دریایی جهان می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: ناوگروه ۸۶، ناوشکن دنا، ناوبندر مکران، موازنه قدرت دریایی، نیروی دریایی ارتش

شابا الکترونیک: ۹۹۷۲-۳۰۴۱ ♦ شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره ♦ فصلنامه نظریه‌پردازی راهبردی

<https://theory.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 3041-9972



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است؛ همچنین آرا و مفاهیم نظری مقاله بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی یا تایید شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره نیست.



مقدمه

اگرچه مسئله امنیت پدیده‌ای نیست که تنها جوامع و دولت‌های امروز متوجه آن باشند چراکه در تاریخ، امری مشهود است که تلاش برای حفظ امنیت موجبات ثبات و اخلال در آن از جانب دشمنان موجبات سرنگونی یک حکومت را رقم زده است. اما زمانی که صحبت از انقلاب فراملی مطرح می‌شود بحث امنیت و تهدید آن در دو طرف طیف با جدیت بیشتری دنبال می‌شود چراکه عزم جدی‌تر دولت یا دولت‌های مقابل، به سرنگونی این‌گونه انقلاب‌ها یقیناً سیاست‌های امنیتی مضاعف‌تری را برای این نوع حکومت‌ها نسبت به انقلاب‌های ملی می‌طلبد. که تلاش برای تحمیل یک خلأ امنیتی برای این‌گونه رژیم‌ها از سوی نظام‌های مخالف از دو منظر قابل توجه است: اول، به هدف سرنگونی این نظام‌ها با تحمیل یک بحران امنیتی وسیع داخلی یا منطقه‌ای و دوم، مشغول کردن این نظام‌ها در رسیدگی به امور داخلی در جهت فراهم‌سازی ملزومات و اولویت‌های اصلی رژیم و به‌نوعی به تعویق انداختن تلاش‌های احتمالی در خلاف جهت منافع قدرت‌ها، از همین‌رو تهدید امنیت نظام‌هایی که هدفشان تغییر وضع موجود جهانی است از طرف دولت‌های مخالف امری اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود.

از همین‌رو با توجه به اینکه مخصوصاً در دهه اخیر، دولت‌هایی که حضور و وجود جمهوری اسلامی را به‌عنوان تهدیدی بر موجودیت خود قلمداد کرده‌اند به شیوه‌های مختلف سعی بر اخلال در امنیت جمهوری اسلامی نموده‌اند؛ استراتژی دفاع و سیاست‌های بازدارنده جمهوری اسلامی، بحث امنیت ملی را فراتر از مرزهای سرزمینی برده و منطق مقابله با تهدیدات امنیتی را به سمت مرزهای امنیتی وسیع‌تر از مرزهای جغرافیایی گسترش داده است. که در این مهم نهاد مسئول و مأمور به تأمین امنیت خارج از مرزهای ملی با هدف شناسایی و بازدارندگی تهدیدات امنیتی خارجی نقشی اساسی و تعیین‌کننده برعهده دارد.

۱. معرفی مفاهیم

۱-۱. امنیت

این واژه دارای مفهومی متعارض و پیچیده است که ارائه تعریفی واحد از آن میسر نیست. اما در حالت کلی می‌توان سه مشخصه «نسبی بودن»، «ذهنی بودن» و «تجربه‌ناپذیر بودن» را برای آن ذکر کرد. همچنین امنیت دارای دو معنای ایجابی (وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر دولتمردان و



شهروندان) و سلبی (فقدان ترس، اجبار و تهدید) می‌باشد (افتخاری، ۱۳۷۷: ۳۲). درعین حال ترکیب این واژه با مفاهیم دیگر نیز کاربرد زیادی در ادبیات علوم سیاسی دارد که امنیت بین‌الملل، امنیت ملی، امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی، امنیت زیست‌محیطی و... به عنوان نمونه‌هایی از این به کارگیری، معمولاً برای تشخیص نوع امنیت مطرح می‌شوند.

۱-۲. امنیت ملی

«امنیت ملی»^۱ از مباحثی است که عمر چندانی در مباحث سیاسی ندارد و ریشه آن را می‌توان در انقلاب کبیر فرانسه یافت؛ یعنی زمانی که برای اولین بار واژه‌هایی چون «ملی»^۲ و «ملت»^۳ خلق شده و دارای تعاریف ویژه‌ای گشتند (ولی پور رزومی، ۱۳۷۸: ۲۴۱). همچنین این مفهوم تا به امروز دچار تحولات گوناگونی شده است. امنیت ملی تقریباً تعریف‌ناپذیر و به عبارتی دارای «تعاریف متکثر» است، عوامل زیادی سبب شده تا تعریف واحدی از امنیت ملی به دست نیاید نظیر: تعمیم مفهوم امنیت از سطح فردی تا سطحی به گستره جامعه جهانی و تحولات بین‌المللی همچنین گوناگونی فرهنگ‌های مختلف و جوامع بشری که زمینه‌ساز برداشت‌هایی متفاوت و انعطاف‌پذیری معنایی از این مفهوم می‌شوند. از همین رو تاکنون تعاریف گوناگونی از امنیت ملی ارائه شده که به برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

از نظر «آرنولد ولفرز»^۴؛ «امنیت ملی نماد ابهام‌آمیزی است که اصلاً ممکن نیست دارای معنای دقیق باشد» (نصری، ۱۳۸۲: ۱۳).

از نظر «باری بوزان»^۵؛ «امنیت ملی از لحاظ مفهومی، ضعیف و از نظر تعریف، مبهم است ولی از نظر سیاسی مفهومی قدرتمند باقی مانده است چون مفهوم نامشخص امنیت ملی راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی باز می‌گذارد» (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۹).

«رابرت ماندل»^۶ در تعریف واژه امنیت ملی می‌گوید: «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج

1. National Security

2. National

3. Nationality

4. Annold Wolfers

5. Barry Buzan

6. Robert Mundell



نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل‌آوردند» (عصارین نژاد، ۱۳۸۳: ۷۸).

باین‌حال از سوی صاحب‌نظران در این مورد تعاریف مشخص‌تر و دقیق‌تری نیز مطرح شده است: «والتر لیپمن»^۱ نخستین کسی بود که مفهوم امنیت ملی را به‌روشنی مطرح کرد: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش‌برد» (روشن‌دل، ۱۳۶۸: ۴).

درنهایت می‌توان گفت؛ این مفهوم به الزاماتی اشاره می‌کند که بقای دولت ملی را از طریق به‌کارگیری قدرت اقتصادی، ارتش، توان سیاسی و استفاده از ابزار دیپلماسی حفظ کند یا به تعریفی دیگر به توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش‌های حیاتی داخلی در مقابل تهدیدات خارجی امنیت ملی گفته می‌شود.

۳-۱. هژمونی

واژه «هژمونی»^۲ ریشه در روابط آتنی‌ها با دیگر دولت - شهرهای یونان باستان دارد که با یکدیگر علیه امپراتوری ایران متحد شده بودند. بنابراین معنای اصیل هژمونی بر این واقعیت دلالت داشته که آتنی‌ها تلاش‌های مشترک داوطلبانه خود و دیگران را بدون اعمال قدرت سیاسی دائمی بر آن‌ها، سازمان‌دهی و هدایت می‌کردند (Ferguson, 2003: 56). بدین ترتیب «وجود روابط» میان مجموعه‌ای از دولت‌ها، «عدم وجود اجبار»، وجود میزانی از نظم و «سازمان‌دهی دسته‌جمعی» در مفهوم هژمونی نهفته است (جمشیدی، ۱۳۸۶: ۷۹۰).

«هژمونی با قدرت خام و سخت ارتباط دارد. توانمندی‌های هژمون به لحاظ نظامی آن‌قدر زیاد است که هیچ دولت دیگری نمی‌تواند جنگی تمام‌عیار علیه آن راه بیندازد. همچنین هژمون از برتری اقتصادی در نظام بین‌الملل برخوردار است و در حوزه منابع مادی برجستگی خاصی دارد. از طرفی مفهوم هژمون بیانگر جاه‌طلبی‌های قدرت مسلط است. هرچند عده‌ای اعتقاد دارند هژمون به دنبال منافع عمومی است اما باید توجه داشت که منافع عمومی به‌گونه‌ای تعریف شده‌اند که در تضاد با منافع و نظم مورد پسند هژمون نباشند از همین‌رو هژمون به‌صورت هدفمند از قدرت عظیم خود

1. Walter Lippmann

2. Hegemony



برای تحمیل نظم مورد پسندش در نظام بین‌الملل بهره می‌برد به همین دلیل گفته می‌شود هژمون علاوه بر داشتن قدرت، لازم است اراده اعمال آن را نیز داشته باشد» (Christopher, 2006: 11).

۴-۱. رئالیسم

واقع‌گرایی که گاه به صورت مکتب اندیشه قدرت از آن یاد می‌شود، از رویکردهایی است که برای مدت طولانی به عنوان پارادایم حاکم در مطالعه سیاست بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است. واقع‌گرایی در شکل کلاسیک آن در اثر «توسیدید»^۱ یعنی «تاریخ جنگ‌های پلوپونزی»^۲ در بیست و هفت قرن پیش منعکس شده است. این سنت را در عصر مدرن در اروپا «ماکیاولی»، «کلازویتز»^۳ (درباره جنگ)، «هابز»^۴ (لویاتان)، «لئوپولد فون رانکه»^۵ (اولویت سیاست خارجی) و «فردریک مانک»^۶ (دلیل وجود دولت)، دنبال کردند. همچنین در آمریکا محققان و سیاستمدارانی مانند «هانس جی مورگنتا»^۷، «هنری کیسینجر»^۸ و «جرج کنان»^۹ به ارائه نظریه و بحث در اطراف آن پرداختند. با وجود آنکه ریشه‌های واقع‌گرایی را می‌توان از آثار اندیشمندان مزبور از قرون پیش ردیابی کرد، لکن واقع‌گرایی به صورت یک رویکرد نظری برای تجزیه و تحلیل سیاست بین‌الملل از اواخر دهه ۱۹۳۰ و اوایل دهه ۱۹۴۰ وارد عرصه مطالعه روابط بین‌الملل شد. واقع‌گرایی در دهه ۱۹۶۰ به واسطه مسائل روش‌شناختی از سوی رفتارگرایان به چالش کشیده شد، ولی مجدداً در دهه بعد در قالب نوواقع‌گرایی ظاهر شد. اهمیت واقع‌گرایی در مطالعه سیاست بین‌الملل از این‌روست که برای مدت طولانی این رشته مطالعاتی با این نظریه عجین شده و اصولاً در شکل دادن به آن نقش بسیار مؤثری داشته است (قادری، ۱۳۹۲).

۵-۱. موازنه قدرت

در موازنه قدرت، از قدرتمند شدن دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها ممانعت می‌شود، برای این که در صورت قدرتمند شدن یک طرف، استقلال طرف دیگر مخدوش می‌گردد (مورگنتا، ۱۳۷۰: ۴۲۸).

1. Thucydide
2. A History of the Peloponnesian War
3. Clausewitz
4. Hobbes
5. Leopold von Ranke
6. Frederick Monk
7. Hans. J. Morgenthau
8. Henry Kissinger
9. George Kennan



همچنین از نظر مورگنتا، «سیستم موازنه قوا نه تنها اجتناب‌ناپذیر بوده بلکه اصولاً عاملی ثابت‌بخش در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود» (شیهان، ۱۳۸۸: ۳۴).

این منطق توزیع قدرت، استعاره‌ای است که از علم مکانیک برگرفته شده و در آن دولت‌ها مانند قطعات ساعت عمل می‌کنند و به محض عمل تند یا کند قطعه‌ای، کل ساعت نمی‌تواند زمان را به درستی نشان دهد. در نئورئالیسم، آنچه طرد می‌شود توزیع سلسله‌مراتبی قدرت از یک سو و استقلال مفرط کشورها از سوی دیگر است. بر این اساس در شرایط هژمونی قدرت، هم خون‌ریزی زیاد می‌شود و هم محرومیت. اگر قدرت به صورت آنارشیک توزیع شده باشد نیز احتمال جنگ بسیار زیاد است. این امر از آن روست که هر کدام از دولت‌ها، استعداد شرارتشان بسیار بیشتر از ظرفیت شرافتشان است. بنابراین نئورئالیست‌ها از توزیع قدرت میان خوشه‌ها دفاع می‌کنند. بعضی کشورهای قدرت طلب خوشه‌ها، می‌خواهند وضع موجود را حفظ کنند و برخی دیگر می‌خواهند این وضع را براندازند و همین تفاهم - تنازع منجر به حفظ موازنه قدرت و در نتیجه امنیت بین‌المللی می‌شود (Clark, 1989: 140).

همه نویسندگانی که در زمینه موازنه قوا می‌نویسند، جنگ را ابزار اساسی دستیابی به این توازن و دفاع از آن قلمداد می‌کنند. جلوگیری از جنگ عموماً هدف موازنه قوا تلقی نمی‌شود بلکه هدف جلوگیری از تسلط یک کشور یا اتحاد نظامی بر نظام بین‌الملل بوده است که از جنگ به منزله سازوکاری برای تحقق این هدف در هر زمان و مکان لازم بهره می‌گیرد (شیهان، ۱۳۸۸: ۳۵). به لحاظ تاریخی نیز جدای از اینکه در تاریخ «جنگ‌های پلوپونزی»^۱ که توسط توسیدید نگاشته شده بین آتن و اسپارت الگوهای موازنه ایجاد شده است؛ در جنگ‌های هفت‌ساله ۱۷۵۶ - ۱۷۶۳ بود که علی‌رغم نابرابری انگلیس و فرانسه نظریه موازنه قوا شکل گرفت زیرا هیچ یک از قدرت‌های اروپایی نتوانست دیگری را از صحنه خارج کند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۲۰).

1. Peloponnesian War



۲. چهارچوب نظری

۱-۲. موازنه قدرت کنت والتز

«کنت والتز»^۱ در کتاب مشهور خود با عنوان «نظریه سیاست بین‌الملل»^۲ بنیان‌های واقع‌گرایی ساختاری را بر نظریه «موازنه قدرت»^۳ بنا می‌کند و اظهار می‌دارد؛ سیاست بین‌الملل در نظامی عمل می‌نماید که شاخص اصلی آن آنارشی بوده، هیچ قدرت فراملی در آن وجود ندارد و قدرت هدف نهایی محسوب می‌شود و هر کشوری در «وضعیت طبیعی»^۴ هابزی به سر می‌برد که در جریان رقابت برای بقا تحت فشارهای فوق‌العاده‌ای قرار دارد. این فشارها موجب شکل‌گیری انواع متفاوتی از رفتارها در میان بازیگران می‌گردد. از یک‌طرف بازیگران روابط بین‌الملل را مجبور می‌سازد تا از رفتارهای موفق‌ترین بازیگران الگوبرداری کنند که این امر منجر به ایجاد واحدهای یکسان و همزیستی میان بازیگران می‌گردد و از طرف دیگر افزایش سریع قدرت یک بازیگر باعث تحریک سایر بازیگران برای افزایش قدرت خود و در صورت عدم کفایت، موجب ایجاد اتحاد میان آن‌ها برای جلوگیری از ظهور هژمون بالقوه می‌گردد و زمانی که موازنه قدرت برقرار شد جاه‌طلبی هژمونیک از بین می‌رود. بنابراین در وضعیت آنارشیک نظام بین‌المللی، موازنه قدرت همچون دست نامرئی آدام اسمیت در بازار عمل می‌کند.

نظریه موازنه قدرت فرض را بر این قرار می‌دهد که کشورها بیشتر تمایل دارند رفتارهای مبتنی بر موازنه را اتخاذ نمایند تا استراتژی‌های دنباله‌روی را و پدیده ایجاد موازنه کشورها در برابر سایرین، درواقع جنبه منحصربه‌فرد نظام آنارشیک بین‌المللی است. بنابر گفته والتز «بازیگران درجه دوم اگر در انتخاب خود آزاد باشند به سمت طرف ضعیف‌تر متمایل می‌شوند» (Waltz, 1979:126). والتز همچنین با اطمینان می‌گوید: «سیاست موازنه قدرت، هرزمانی که دو پیش‌شرط وجود داشته باشد حکم‌فرما خواهد بود: یکی اینکه نظم نظام، آنارشیک باشد و دیگری اینکه نظام، واحدهای متعددی با هدف بقا داشته باشد» (Waltz, 1979:121).

به‌طورکلی بر اساس نظریه موازنه قدرت والتز، تا زمانی که نظام بین‌الملل در وضعیت آنارشی باقی بماند موازنه قدرت وجود خواهد داشت و کشورها استراتژی موازنه قدرت را بیش از استراتژی دنباله‌روی انتخاب خواهند کرد. اما همان‌گونه که محققان بسیاری نیز استدلال کرده‌اند و نیز بررسی

1. Kenneth waltz

2. Theory of International Politics

3. Power balance

4. State of Nature



تاریخی نشان می‌دهد، استراتژی موازنه قدرت ضرورتاً در همه شرایط و موقعیت‌ها ظاهر نخواهد شد و موازنه قدرت از پیش فرض شده و یا تنها انتخاب کشورها برای مقابله با تهدید هژمونیک نیست که اگر بخواهیم به‌طور مختصر این نقطه نظرات را بررسی کنیم و به نقد یا اثبات نظریه موازنه قدرت پردازیم می‌توان مطالب را به‌صورت زیر جمع‌بندی نمود:

۱. هر کشوری در مواجهه با تهدید هژمونیک سه استراتژی موازنه قدرت، دنباله‌روی و یا کنارکشیدن در پیش خواهد داشت؛

۲. واکنش در برابر تهدیدات هژمونیک معمولاً بر اساس عقلانیت محدود می‌باشد؛ به این معنا که استراتژی موازنه قدرت معمول‌ترین استراتژی کشورها نیست. برخی از کشورها موازنه قدرت را انتخاب می‌کنند درحالی‌که استراتژی کنارکشیدن و دنباله‌روی معمول‌ترین و شایع‌ترین استراتژی اتخاذشده توسط کشورها بوده است؛

۳. در نظام‌های آنارشیک مختلف، دلایل و استدلال‌های متفاوتی برای رفتار کشورها دیده می‌شود. در نظام هابزی «معمای زندانی» باعث می‌شود اتخاذ استراتژی موازنه قدرت بسیار دشوار و دور از انتظار باشد و بنابراین دنباله‌روی یا کنارکشیدن، معمول‌تر خواهند بود. در نظام جان لاکی موازنه قدرت با مشکلات اقدام دسته‌جمعی مواجه بوده درحالی‌که دو استراتژی دیگر بسیار معمول‌تر است. این‌که موازنه قدرت در برابر تهدید هژمونیک در این نظام با موفقیت همراه خواهد بود یا نه بستگی به توانایی حل مشکلات ناشی از اقدام دسته‌جمعی دارد. در نظام کانتی، تهدید از منابع خارجی نشئت می‌گیرد تا داخلی و زمانی که کشورها با چنین تهدیدات خارجی روبه‌رو شوند به یکدیگر می‌پیوندند و دست به موازنه می‌زنند؛

۴. در شرایط قطبیت مشابه قدرت، کشورهایی که قدرت نسبتاً برابری دارند برای کنترل جاه‌طلبی‌های هژمونیک یکدیگر، استراتژی موازنه قدرت را اتخاذ می‌کنند درحالی‌که کشورهایی که اختلاف سطح قدرت دارند و نیز کشورهای ضعیف که از حمایت یک قدرت قوی بی‌بهره‌اند بیشتر تمایل به دنباله‌روی دارند؛

۵. همچنین کشورهایی که موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای دارند همچون کشورهای جزیره‌ای که پیرامون آن‌ها را اقیانوس‌های بزرگ فراگرفته یا کشورهایی که در میان کوهستان‌های بزرگ محصور شده‌اند و یا آن‌هایی که از منطقه کشمکش و برخورد دور هستند می‌توانند برای



مدت زمان مشخصی استراتژی کنارکشیدن را انتخاب کنند (نظیر آمریکا در جنگ‌های جهانی اول و دوم)؛ که درواقع، برتری جغرافیایی این کشورها است که آن‌ها را به اتخاذ این استراتژی سوق می‌دهد نه کوچکی یا بزرگی قدرت آن‌ها (سازمند، عظیمی و نظری. ۱۳۸۹: ۲۵۶).

۲-۲. موازنه تهدید استیفن والت

«استیفن والت» به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان واقع‌گرایی (واقع‌گرایی تدافعی) با پایان جنگ سرد و عدم شکل‌گیری موازنه علیه هژمونی آمریکا (برخلاف تصور نظریه نوواقع‌گرایی موازنه قدرت کنت والتز)، در توضیح چرایی این امر، نقطه تمرکز واقع‌گرایی را از موازنه قدرت به موازنه تهدید سوق داد. بر پایه این نظریه، عملکرد دولت‌ها برای تشکیل اتحاد و موازنه‌سازی به‌وسیله چندین عامل مشخص می‌شود: نخست، آن‌ها بر اساس تهدیداتی که برداشت می‌کنند عمل می‌کنند. دوم، قدرت سایر بازیگران یک رکن در محاسبات آن‌ها محسوب می‌شود. به عبارتی قدرت دیگر دولت‌ها بسته به موقعیت جغرافیایی آن دولت، توانایی آن دولت در استفاده از این قدرت و چگونگی استفاده از این قدرت می‌تواند عامل در دسر یا امتیاز تلقی شود (Walt, 1987: 21). از همین‌رو والت بیان می‌کند تهدیدات دولت‌ها از چهار منبع «قدرت کل»^۱، «مجاورت جغرافیایی»^۲، «قدرت تهاجمی»^۳ و «نیات تهاجمی»^۴ نشئت می‌گیرند (کیاکجوری، اسلامی، ۱۴۰۱: ۱۴۱).

بنابر نظریه موازنه تهدید، صرفاً قدرت داری اهمیت نیست بلکه سایر عوامل نیز دارای اهمیت هستند. از نظر وی آنچه در روابط بین‌الملل حائز اهمیت است درکی است که هریک از دولت‌ها به‌عنوان تهدید از یکدیگر دارند نه صرفاً میزان قدرت آن‌ها. به عبارتی اگر در نظریه موازنه قدرت والتز افزایش قدرت یک دولت عامل تهدیدی برای دولت دیگر محسوب می‌شود در نظریه موازنه تهدید والت دولت‌ها فقط در برابر دولت‌هایی دست به موازنه می‌زنند که تهدیدی جدی برای آن‌ها محسوب شده و منافع خود را درخطر ببینند (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

در حالت کلی در جمع‌بندی نظریه موازنه تهدید می‌توان از موارد زیر نام برد:

1. Total power
2. Geographic Proximity
3. Offensive power
4. Aggressive intentions

- ❖ دولت‌ها در مقابل دولت یا دولت‌هایی متحد و دست به ائتلاف می‌زنند که منشأ بیشترین تهدید باشند؛ بنابراین طبق این نظریه، دولت یا دولت‌های تهدیدزا الزاماً جزء قدرت‌های بزرگ نیستند؛
- ❖ منشأ تهدید به تصور نخبگان دولت‌ها از یکدیگر وابسته است نه میزان قدرت آن‌ها؛
- ❖ هر اندازه تهدیدات بیشتر باشد به همان اندازه انگیزه اتحاد نیز بیشتر بوده و نظام به لحاظ کارکردی از انسجام بیشتری برخوردار می‌شود؛
- ❖ والت تهدید را افزون بر قدرت، ترکیبی از سایر عوامل نظیر توانایی‌های تهاجمی، قدرت نظامی، نزدیکی جغرافیایی و مقاصد متجاوزانه احتمالی می‌داند؛
- ❖ یکی از شرایط افزایش امنیت در نظام موازنه تهدید تبدیل موازنه به هنجارها است (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۹).

همچنین والت، «توازن تهدید را اساس تشکیل ائتلاف‌ها می‌داند» نه توازن قدرت (Walt, 1987: 5).

۳. معرفی ساختار و اجزای ناوگروه ۸۶

۳-۱. ناوشکن دنا

«دنا»، چهارمین ناوشکن بومی ایران به حساب می‌آید که پس از ناوشکن‌های «جماران»، «دماوند» و «سهند» به نیروی دریایی ارتش ملحق شد؛ ناوشکنی که گفته می‌شود نسبت به سایر ناوشکن‌های ساخت داخل پیشرفته‌تر و به‌روزتر بوده و با تجهیزات و ادوات نصب شده، قادر است هرگونه تهدیدی را در شعاع ۲۰۰ کیلومتری تشخیص دهد و برای مواجهه با آن اقدام کند. همچنین در این ناوشکن، انواع تجهیزات جنگ الکترونیک، موشک سطحی و سطح به هوا، پرتابگر اژدر و ... به کار رفته و دنا را به عنوان یک ناوشکن رزمی راهبردی مطرح کرده‌است.

ناوشکن دنا با شماره بدنه ۷۵، چهارمین محصول از شناورهای کلاس موج است که توسط نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران طراحی و ساخته شد. این ناوشکن در خرداد ماه سال ۱۴۰۰ به ناوگان نیروی دریایی ارتش در بندرعباس پیوست و به عنوان ناو سرفرماندهی ناوگروه ۸۶ به طول ۹۴ متر و عرض ۱۱ متر و وزن ۱۵۰۰ تن ساخت صنایع دریایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح است که در فرایند طراحی، ساخت و تولید این ناوشکن در مجموع یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر-ساعت کار صرف شده است.



«ناوشکن دنا؛ ۹۴ متر طول و ۱۱ متر عرض دارد که فاصله دکل تا پایین‌ترین نقطه آن ۲۰ متر و ابعاد آب‌خور این شناور ۳/۲ متر است. در حوزه سازه و روسازه از ورق و پروفیل‌های دریایی و برای روسازی آن از آلومینیوم دریایی به وزن ۶۰۰ تن استفاده شده است. این شناور قادر است علاوه بر جابجایی حدود ۲۰۰ نفر پرسنل تعدادی از نیروهای یگان عملیات ویژه را حمل کند. این شناور همانند یک شهر متحرک بوده و به امکانات مختلف تجهیز شده است. نیروگاه برق، خطوط انتقال برق، مراکز کنترل برق، کلینیک و بیمارستان، سیستم رانش، آشپزخانه مجهز برای ۲۰۰ نفر و یخچال‌های زیر صفر و بالای صفر جزء تجهیزات موجود در ناوشکن دنا است. اهمیت تجهیز ناوشکن دنا به همه تجهیزات ضروری کمک می‌کند تا بتواند یک مأموریت ۸ ماهه را به خوبی انجام دهد. سامانه سلاح‌ها، سیستم‌های مخابرات، ناوبری و رانش ناوشکن دنا کاملاً ایرانی است. پیش‌رانه این شناور از انواع موتورهای دیزلی است که توسط صنایع دریایی وزارت دفاع به موتور دریایی تبدیل شده است. نحوه عملکرد سیستم رانش ناوشکن دنا این‌گونه است که دو شفت از دو موتور متفاوت وارد یک گیربُکس شده و قدرت دو موتور را به یک شفت و یک پروانه منتقل می‌کند و می‌تواند سیستم رانش شناور را تشکیل دهد. این اولین بار است که چنین موتوری در ایران ساخته و در ناوشکن دنا نصب شده است. پروانه ناوشکن دنا نیز از یک طراحی خاص و متفاوت و تکنولوژی بسیار پیشرفته بهره می‌برد. کاربرد پروانه زاویه متحرک شناور دنا کمک به مانور و گردش شناور در مواقع بحرانی در یک عملیات خاص است. متخصصان صنایع دفاعی در حوزه سامانه‌های مخابراتی نیز از سامانه‌هایی بهره‌گیری کردند که بتوانند در همه باندهای فرکانسی، صدا و داده‌ها را به صورت رمز شده، انتقال و دریافت کنند. کیفیت عملکرد رمزنگاری داده‌های ناوشکن دنا به گونه‌ای است که دشمن قادر به شنود یا کشف اطلاعات رد و بدل شده نیست. دنا برای بمباران ساحلی از توپ‌های ۷۶ میلی‌متری و مبارزه با دزدان دریایی از توپ‌های ۲۰ میلی‌متری بهره می‌برد. این شناور برای انهدام اهداف هوایی از موشک‌های مختلف در نقش پدافندی استفاده می‌کند و این سلاح‌ها قادر هستند که در صورت تهدیدات احتمالی توسط موشک‌ها و یا هواپیماهای دشمن به خوبی نقش پدافندی را اجرا کنند» (قلی‌زاده، تابناک: ۱۴۰۲/۰۴/۱۲).

همچنین ناوشکن دنا دارای توان درگیری همزمان با ۱۶ هدف سطحی، زیرسطحی و پروازی بوده و با تجهیزاتی نظیر: یک توپ ۷۶ میلیمتری «فجر ۲۷»، یک توپ ۴۰ میلیمتری و دو توپ ۲۰ میلیمتری «فتح»، ۲ تیر موشک پدافندی برد متوسط «محراب»، ۴ موشک کروزر «قدیر» و «قادر» و ۲

پرتابگر اژدر ۳۲۴ میلیمتری کوسه با مجموع ۶ اژدر، توان نظامی چشم‌گیری را به ناوگان دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بخشیده است.

۳-۲. ناوبندر پشتیبانی مکران

ناوبندر مکران به طول حدود ۲۳۱ متر و عرض ۴۲ متر و تناژ جابجایی نهایی ۱۰۵ هزار تن یک جزیره متحرک ۱۲۱ هزار تنی است که نیروی دریایی ارتش آن را با تغییر کاربری یک نفتکش به یکی از بزرگترین ناوبرهای بالگردنشین تبدیل کرده است. و نام آن از منطقه‌ای ساحلی در جنوب شرق ایران گرفته شده است این ناوبندر که در زمان حاضر بزرگترین شناور نظامی کشور است؛ در سال ۱۳۹۹ به نیروی دریایی ارتش الحاق شد و وظیفه پشتیبانی از ناوهای رزمی نیروی دریایی را به‌عهده دارد. مکران قادر است همزمان ۵ بالگرد را روی عرشه خود جای دهد. در میان تمام کشورهای جهان، تنها سه کشور آمریکا، چین و ایران دارای ناوبندر هستند.

متخصصان نیروی دریایی ارتش در مدت شش ماه و با صرف ۷۲ هزار نفر ساعت کار مداوم و با ایجاد عرشه بالگرد ۹۵۰ تنی با مساحت ۳۲۰۰ متر مربع روی آن، این شناور مکران را تبدیل به یک ناو پشتیبان کردند. این شناور در واقع همانند یک بندر کوچک به شناورهای رزمی در آب‌های آزاد خدمات می‌دهد و کاری که سایر کشورها با اعمال نفوذ سیاسی و دریافت خدمات بندری از کشورهای مختلف در جهان صورت می‌دهند به صورت مستقل برای نیروی دریایی ارتش در هر نقطه از اقیانوس‌های جهان ارائه می‌دهد.

از نظر ظاهری، اصلی‌ترین تغییر در ناوبندر مکران نسبت به شناور نفتکش پایه، افزوده شدن یک باند بزرگ نشست و برخاست بالگرد در نیمه جلویی عرشه و به طول حدود ۸۰ تا ۸۵ متر و عرض برابر عرض بدنه است. این عرشه وسیع، امکان استقرار همزمان ۵ بالگرد را به راحتی فراهم می‌کند. همچنین بر دو سکوی پرتاب کانتینری موشک، ۶ موضع استقرار توپخانه پدافندی، انواع سامانه‌های جنگ الکترونیکی که روی شناورهای رزمی نیروی دریایی ارتش مشاهده شده بود، بر فراز دکل تعبیه شده روی مکران نیز نصب شده که در فضای نبردهای مدرن امروزی ارزش بسیار بالایی دارند. علاوه بر سامانه شناسایی سیگنالی یا ESM ساخت صنایع دفاعی کشور، رادارهای دریایی باند X و سامانه‌های مخابرات دریایی نیز روی سازه ناوبندر مکران قابل تشخیص است (همشهری: ۱۴۰۲/۰۶/۰۳).



۴. نقش ناوگروه ۸۶ بر موازنه توان دریایی

ناوگروه ۸۶ به عنوان یکی از عوامل کلیدی و تاثیرگذار موازنه قدرت دریایی در منطقه با تقویت قابلیت‌های نظامی و دریایی خود قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران را ارتقا بخشیده و حضور فعال این ناوگروه در مناطق استراتژیک اقتصادی و نفتی، موجب تقویت توانایی نظامی ج.ا.ایران در مقابل تهدیدات امنیتی می‌شود. باتوجه به موقعیت جغرافیایی استراتژیک ایران، تقویت توان نظامی دریایی در کنار سایر اقدامات دفاعی، لجستیکی و نظامی داخلی و برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران تاثیری مثبت و مستقیم بر افزایش نفوذ و قدرت این کشور در منطقه و تغییر موازنه قدرت دریایی به سود خود داشته است که این عوامل در کنار موقعیت ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس به‌عنوان نقطه عطف بزرگی برای تأمین امنیت منطقه به‌شمار می‌رود.

۵. تأثیرات حضور ناوگروه ۸۶ بر امنیت ملی

امنیت به‌عنوان یکی از مفاهیم بنیادین و حیاتی در راهبرد سیاست خارجی کشورها نقش اساسی در تضمین پایداری و توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی دارد. در این راستا، ناوگروه ۸۶ تأثیرات چشم‌گیری بر امنیت و موازنه قدرت در منطقه داشته است. این ناوگروه علاوه بر مأموریت ویژه خود در پیمودن کره زمین، با حضور مداوم در مناطق استراتژیک مانند خلیج فارس و دریای عمان، توانسته است نقش مهمی در حفظ و ارتقای امنیت ملی ایران ایفا نموده و به تضمین امنیت دریایی کشور کمک نماید. ناوگروه ۸۶ با بهره‌مندی از تجهیزات و تکنولوژی‌های نظامی پیشرفته توانسته است اعتبار نظامی جمهوری اسلامی ایران را تقویت کند. از همین‌رو در ادامه به شرح بخشی از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای ناوگروه ۸۶ خواهیم پرداخت: «این حرکت شما حضور امنیت‌ساز بود. این حضور شما در مناطق دوردست، در اقصی نقاط اقیانوس آرام و اقیانوس اطلس، کمک به امنیت کشور بود. شما نشان دادید که دریا مال همه است، دریاهای آزاد مخصوص کسی نیست. این ابرقدرت‌ها اگر بتوانند اقیانوس‌ها را هم به اسم خودشان سند می‌زنند تا دست دیگران کوتاه بشود. ویژه‌خواری در مسائل عمومی مربوط به بشریت، جزء خصوصیات ابرقدرت‌ها است، جزء خصوصیات آمریکا است؛ شما این را نقض کردید. اگرچه در همین سفر هم البته علیه شما اقدامات خصمانه‌ای انجام دادند، کارهایی کردند برای اینکه حرکت شما را نیمه‌کاره بگذارند یا خراب کنند؛ [اما] شما بر آنها چیره شدید؛ شما ثابت کردید که دریاهای آزاد متعلق به همه است.

یکی از نتایج روشن کار شما این بود که نشان دادید دریای آزاد متعلق به همه است. [اینکه] «ما اجازه نمی‌دهیم فلان کشتی‌ها از فلان تنگه‌ها عبور کنند» غلط زیادی است؛ چرا؟ دریای آزاد مال همه است؛ باید همه عبور کنند؛ باید همه بتوانند بروند و بیایند. دریا و هوا باید برای همه ملت‌ها آزاد باشد. امنیت کشتیرانی و حمل و نقل دریایی باید برای همه کشورها تأمین بشود. امروز آمریکایی‌ها به نفتکش‌ها تعرض می‌کنند، به باندهای قاچاق دریایی کمک می‌کنند؛ این تخلف بزرگ آنها است؛ در منطقه ما این کار انجام می‌گیرد؛ در جاهای دیگر هم کم و بیش اطلاع داریم که انجام می‌دهند. این‌ها نقض یک قانون بشری بین‌المللی غیرقابل اغماض است. شما عملاً این قانون امنیت همگانی دریا برای همه را اجرا کردید» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارکنان و خانواده‌های ناوگروه ۸۶: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵).

۶. اهمیت ناوگروه ۸۶ در ارتقای غرور ملی

در این مورد با توجه به بیانات مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی)، مأموریت ناوگروه ۸۶ علاوه بر ابعاد دفاعی، نظامی، سیاسی و راهبردی در سطح منطقه و بین‌الملل نقشی اساسی در تقویت روحیه و غرور ملی ایفا نموده است؛ ایشان در بخشی از بیانات خود می‌فرمایند:

«این کار شما مصداق آیه شریفه «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ» بود. قرآن صریحاً، یعنی بدون تأویل، دستور داده که «اعِدُوا لَهُمْ»، در مقابل دشمنان آماده‌سازی کنید؛ «مَا اسْتَطَعْتُمْ»، هر چه می‌توانید. ببینید، این قرآن است. این دیگر یک احتمال دینی، [یک] روایت ضعیف نیست، صریح قرآن است. «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ»؛ هر چه می‌توانید باید آمادگی‌ها را افزایش بدهید. این کار شما مصداق این آیه شریفه بود؛ آمادگی‌ها را افزایش دادید، توانایی‌ها را به رخ کشیدید. این اقدام شما، اگرچه محصول تلاش‌هایی بود که قبل از شما انجام شده بود، اما خود این یک قاعده‌ای شد، یک زمینه‌ای شد برای کارهای بزرگ‌تری که بعد از این انجام خواهد گرفت؛ بنابراین این نکته اول که حرکت ناوگروه ۸۶ مصداق آیه «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ» بود. این کار شما اعتماد به نفس نیروهای ما را ارتقا داد، سطح توانایی‌های نظامی ما را بالا برد، «ما می‌توانیم» را که بن‌مایه پیشرفت است، پیشرفت متکی به اعتقاد به «ما می‌توانیم» است، در ذهن‌ها تقویت کرد. دشمن هم وقتی که این را می‌بیند، مجبور می‌شود دست و پایش را جمع کند؛ به طور طبیعی این جور است. در همین آیه هم دارد: تُرْهَبُونَ بِعَدُوِّ اللَّهِ؛ شما آماده‌سازی‌تان را زیاد کنید تا دشمن احساس کند



که شما آماده‌اید. یکی از چیزهایی که دشمنان را تشویق می‌کند به تهاجم و حمله، این است که احساس کنند طرف منفعل است؛ دچار ضعف است؛ دچار تردید است؛ این، دشمن را تشویق می‌کند به اقدام؛ [اما] وقتی دیدند نه، شماها بیدارید، آماده‌اید، توانایی، دانایی، طبعاً حساب خودشان را می‌کنند. ... این اقدام شما توانست وجهه بین‌المللی ایران را بالا ببرد و ارتقا ببخشد. من می‌خواهم این را بگویم: ارزش سیاسی کار شما از ارزش نظامی‌اش کمتر نبود، اگر نگوییم بیشتر هم بود. نفس اینکه شما توانستید یک حرکت بزرگ این‌چنینی را روی دریا انجام بدهید، [اینکه] ایران این قدر نیرو داشت، این قدر جوان، این قدر توانایی علمی، این قدر مهارت که توانست این کار بزرگ را انجام بدهد، این برای کشور و وجهه بین‌المللی ایجاد کرد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارکنان و خانواده‌های ناوگروه ۸۶: ۱۵/۰۵/۱۴۰۲).

نتیجه‌گیری

با پایان جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری دوران جنگ سرد و شکل‌گیری جهان دوقطبی شرق و غرب، ظهور انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان انقلابی فراملی با رویکردی نظری مبنی بر پارادایم سوم اندیشه سیاسی (مدیریت اسلامی در مقابل مکاتب سرمایه‌داری غربی و کمونیسم روسی) در مستعدترین منطقه جغرافیایی به منظور پیشبرد نظریه صدور انقلاب را نمی‌توان با نگاهی مشابه به سایر دگرگونی‌های سیاسی و انقلاب‌های چند سده اخیر جهان مورد ارزیابی قرار داد. چرا که با توجه به متن صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر رویکرد تجدیدنظرطلبانه خود در وضع موجود و با در نظر گرفتن جنبه فرهنگی، مذهبی و ایدئولوژیک انقلاب ایران در جغرافیای سیاسی بسیار حائز اهمیت بین‌المللی، طبیعتاً در چهار دهه اخیر تلاش‌های بین‌المللی مختلفی با هدف تضعیف و ناامنی ج.ا. ایران همچنین از میان برداشتن اندیشه مقاومت در منطقه صورت پذیرفته است. از همین‌رو جمهوری اسلامی ایران از ابتدا با اتخاذ سیاست خارجی پیچیده و دوگانه خود به عنوان کشوری مستقل تلاش نموده به رغم تحریم‌های گسترده اقتصادی بین‌المللی علیه خود، هم بقا و موجودیت خود را در این سیستم آناشیک بین‌المللی حفظ نماید و هم به عنوان مکتبی ایدئولوژیک در برابر سیاست‌های تجاوزطلبانه غرب به گسترش نفوذ و نقش خود در منطقه به منظور پیشبرد اهداف انقلابی خود نائل آید. از همین‌رو ج.ا. ایران نه تنها به طور هم‌زمان سیاست‌های خارجی، نظامی و برون‌مرزی خود را میان دو اندیشه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی تدوین و اجرا نموده است



بلکه با نگاهی کلی به رفتار سیاسی این رژیم در می‌یابیم در فرایند رئالیستی نیز ج.ا.ایران سیاست‌های دفاعی و نظامی خود را نیز میان دو نحله موازنه قدرت و تهدید به کار گرفته است. طبیعتاً پیش از اثرگذاری بین‌المللی یک انقلاب فراملی در ابتدا حفظ و بقای رژیم که در این شرایط به نظریه موازنه تهدید نزدیک‌تر است، اولویت می‌یابد و سپس موازنه قدرت امری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود. به همین دلیل مسئله دفاع برای ج.ا. ایران اهمیت مضاعفی می‌یابد. از یک‌سو به منظور رفع تهدیدات منطقه‌ای که به خودی خود در نظام آنارشیک بین‌المللی امری طبیعی است و از یک‌سو مواجه شدن با هژمون آمریکایی - غربی. از همین‌رو به‌طور مثال ج.ا. ایران از محور مقاومت هم در جهت موازنه قدرت و تهدید عمل نموده و هم با افزایش قدرت و نفوذ خود در منطقه به اجرای مستقیم و غیرمستقیم سیاست‌های تجدیدنظرطلبانه خود می‌پردازد. در حوزه دفاعی و نظامی ج.ا. ایران با بهره‌مندی از تجربیات دوران دفاع مقدس، در جنگ زمینی و دفاع موشکی به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یافته است که مقابله با گروهک تروریستی داعش و نبرد هم‌زمان در چندجبهه و تجهیز محور مقاومت را در جنگ‌های نیابتی و حتی اقدامات مستقیم نظامی رژیم در دهه اخیر با آمریکا را می‌توان گواهی بر این ادعا دانست. اما در حوزه دریایی اگرچه در دوران هشت‌ساله جنگ با رژیم بعث عراق، ارتش ج.ا. ایران رشادت‌ها و توانمندی‌های چشم‌گیری از خود به نمایش گذاشت اما در این حوزه همچنان تردیدهایی نسبت به توان دریایی ارتش ج.ا. ایران در مواجهه با تهدیدات دریایی دول متخاصم وجود داشت که با موفقیت نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در مأموریت ناوگروه ۸۶ به دور کره زمین و طی نمودن مسیر ۶۵ هزار کیلومتری در ۲۳۲ روز، عملاً در یک اقدام استراتژیک دریایی در کنار رزمایش‌های مشترک با نیروهای دریایی چین و روسیه توانست اوج توان دفاعی دریایی خود را نیز به نمایش گذارد.

مأموریت ناوگروه ۸۶ یقیناً امنیت دریایی ج.ا. ایران را نه تنها تضمین نمود؛ بلکه حضور نیروهای دریایی غربی و آمریکایی در خلیج فارس را به بهانه امنیت این منطقه با چالش جدی مواجه ساخت. از طرفی با ارتقای غرور ملی و افزایش انگیزه سایر نیروهای دفاعی کشور، نیروی دریایی ارتش ج.ا. ایران موفق شد نقش موثری در موازنه قدرت دریایی ج.ا. ایران به نفع خود در سطح بین‌المللی و مخصوصاً در سطح منطقه و به تبع آن در حفظ و تقویت امنیت ملی کشور ایفا نماید.



فهرست مطالب

- افتخاری، اصغر (۱۳۷۷). *ظرفیت طبیعی امنیت*. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳). *تقدیرات در سیاست بین‌الملل و منطقه‌ای*، کارشناسی ارشد، دانشکده وزارت خارجه، نیمسال دوم ۸۲-۸۳.
- ولی‌پور رزومی، حسین (۱۳۷۸). *جایگاه امنیت در اندیشه سیاسی اسلام و امام خمینی (ره)*. فصلنامه علوم سیاسی، سال ۲، شماره ۵.
- نصری، قدیر (۱۳۸۴). *تاملی روشن‌شناختی بر رفتار منطقه‌ای امنیت*. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۹.
- نصری، قدیر (۱۳۸۶). *ارزش‌شناخت در مکتب نثورثالیسم*. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۰، شماره ۲.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷). *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۲.
- عساریان نژاد، حسین (۱۳۸۳). *امنیت و قومیت در جمهوری اسلامی ایران*، ماهنامه دانشگاه عالی دفاع ملی، شماره ۴۸.
- روشندل، جلیل (۱۳۶۸). *امنیت ملی و نظام بین‌الملل*. تهران: انتشارات سفیر.
- جمشیدی، محمد (۱۳۸۶). *نظام‌های بین‌المللی تک قدرت‌محور: تک‌قطبی هژمونی، امپراتوری*. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۰، شماره ۴.
- قادری، علی (۱۳۹۲). *سلطه واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل*. روزنامه افغانستان، دوشنبه.
- مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۰). *سیاست در میان ملت‌ها*، ترجمه حمیرا مشیر زاده. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۹). *سیاست میان ملت‌ها، تلاش در راه قدرت و صلح*، ترجمه حمیرا مشیر زاده. تهران: وزارت امور خارجه.
- شیهان، مایکل (۱۳۸۸). *امنیت بین‌الملل*، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۶۸). *نگاهی به تاریخ روابط بین‌الملل*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۳). *تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل*. تهران: نشر قومس.
- سازمند، بهاره؛ عظیمی، ابوالفضل؛ نظری، علی اکبر (۱۳۸۹). *نظریه موازنه قدرت والتز؛ نقد و بررسی کارآمدی آن در عصر حاضر*. فصلنامه روابط خارجی، سال ۲، شماره ۴.



- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: انتشارات سمت.
- کیاکجوری، کیانوش (۱۳۹۰). *چرا ایران هراسی؟*، پیام انقلاب، شماره ۴۷.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۲). *استراتژی موازنه تهدید و امنیت دولت‌های اسلامی منطقه خاورمیانه*. فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۲، شماره ۷.
- <https://www.khabaronline.ir/news/1866490>
- <https://www.tabnak.ir/fa/news/1181559/>
- <https://www.hamshahrionline.ir/news/783265/>
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=53506>



References

- Christopher, L. (2006) "The Unipolar Illusion Resisted." International Security, Vol 31, No2, pp7-41
- Clark, Ian. (1989) The Hierarchy of States: Reform and Resist Once in the International Order, Cambridge, Cambridge University Press.
- Kenneth, Walt. (1979) "The origins of war in Neo-Realist Theory." In Robert, I. Rotberg and Theodore k. Rabb (eds); The Origin and Presentation of Major Wars. Cambridge, Cambridge University Press.
- Walt, Stephen (2018). the Hell of Good Intentions: America's Foreign Policy Elite and the Decline of U.S. Primacy, New York: Farrar, Straus and Giroux